

چرا عارفان غم دنیا ندارند مگر در دنیا نیستند؟

بلی عارفان غم دنیا را ندارند چرا

سرش از نقصان به کمال رسیدن است. آنچه دارد خوش است غم نداشتن را ندارد چرا در بهشت غم نیست؟
چون همه پرند. چون دانه در آن خواهد بود و از آنجا درخواست انتقال نمی‌کنند. یعنی هر کس هر مرتبه که هست
حضرت مرتبه دیگر را ندارد اگر حسرت خورد آنچا بهشت نیست. غم از حسرت خوردن است. اگر کسی در همین
دنیا به بهشت رسیده باشد غم ندارد. بسمایه ای دارد که جای هر نداشتن را پر کرده است هیچ احساس نداشتن نمی
آید از این روی غم دیگران به شادی او می‌افزاید. غم دیگران بر او که پر است شیرینی می‌آورد یعنی رنج
دیگران شادی او را از خودش بیشتر می‌کند غم که شادی افزاشد یعنی رنج و بلا بر جان شیرین می‌شود

بانگ زد پارش که بر در کیست آن - گفت بر در هم توی ای دلستان

گفت اکنون چون منی ای من در آ - نیست گنجایی دو من را در سرا

نیست سوزن را سر رشته دوتا - چونک یکتایی درین سوزن در آ

موجوداتی هستند که فقط همجنس را راه می‌دهند اگر سراپا طرب شد به غم راه نمی‌دهند. وقتی نقصان به کمال
رسید، گمال فقط کمال را می‌پذیرد و چون غم نقصان است کمال راهش نمی‌دهد